

# ده روز با داعش

از درون دولت اسلامی

یورگن تودنهورفر

علی عبداللہی - زہرا معین الدینی



کتاب گاہ پشاور

## فهرست

- فصل یکم: تولد دولت اسلامی داعش ..... ۱۳
- فصل دوم: اهداف غرب ..... ۲۳
- فصل سوم: در جست‌وجوی حقیقت ..... ۳۹
- فصل چهارم: حرکت به سوی جبهه‌ی داعش ..... ۴۵
- فصل پنجم: چت با تروریسم ..... ۵۳
- فصل ششم: مادر جهادگر ..... ۱۴۳
- فصل هفتم: تحقق سفر ..... ۱۵۱
- فصل هشتم: سفر به قلمرو دولت اسلامی ..... ۱۸۵
- فصل نهم: نامه‌ی سرگشاده به خلیفه‌ی دولت اسلامی و به پیکارجویان خارجی اش ..... ۲۹۹
- فصل دهم: پس‌گفتاری خطاب به جان جهادی ..... ۳۰۹
- توضیحات عکس‌ها و سایر اسناد: ..... ۳۱۲
- عکس‌ها ..... ۳۱۳

## فصل یکم

### تولد

### «دولت اسلامی»

### داعش

چنین به نظر می‌رسد که دولت اسلامی یا داعش یک‌باره از دل ظلمت تاریخ سر برآورده است و در حال نقش‌آفرینی در مرکز سیاست جهانی است، اما این‌گونه نیست؛ بلکه دیرزمانی است که از شکل‌گیری آن می‌گذرد. داعش فرزند جنگ عراق در سال ۲۰۰۳ میلادی است. در اوت ۲۰۰۷ نخستین بار با یکی از جنگجویان داعش در اطراف شهر رمادی عراق دیدار کردم. رامی، دانشجوی بیست و هفت ساله‌ی کم‌ویش خجالتی بود که در رشته‌ی تاریخ درس می‌خواند و به این دلیل که نیروهای اشغال‌گر جی.آی.سی.<sup>۱</sup> مادرش را حین تفتیش و جست‌وجوی خانه به خانه، به ضرب گلوله از پا درآورده بودند به‌تازگی به تروریست‌ها پیوسته بود. نیروهای اشغال‌گر، مادرش را در برابر چشمان او به خاک و خون کشیده بودند. وقتی حین صحبت متوجه شد که من عمق دردش را نفهمیده‌ام و تصمیم دردناکش را چنان که باید درک نمی‌کنم، به تلخی از من پرسید: «شما جای من بودید چه می‌کردید؟» اتخاذ مواضع شرافتمندانه درباره‌ی مقاومت و تروریسم، وقتی آدم خودش در رفاه و صلح زندگی می‌کند، کار ساده‌ای است. آیا به قدر کافی در این مسئله تأمل کرده‌ایم که در درون کسی که کمر بند

---

1. GIS

انفجاری به خودش می‌بندد و به هوا می‌رود، پیش از این اقدام چه اتفاقی افتاده است؟ وقتی که من سکوت می‌کنم، جوان ادامه می‌دهد: «اگر شماها بساط حمله و تحقیرتان را برچینید و بس کنید، اگر شما از سرزمین‌های ما بیرون بروید، آن وقت القاعده هم خود به خود گورش را کم می‌کند.»

صعود القاعده به‌عنوان عاملی در بازی قدرت در فضای بحرانی عراق، از چهار سال پیش آغاز شده بود؛ از سال ۲۰۰۳. ابومصعب الزرقاوی، اردنی سی‌وهفت ساله سنی مذهب، از همان زمان، شخص اول القاعده در عراق می‌شود. این مرد، پیش از آن قصد داشت با حزب «توحید و جهاد» خود، بساط سلطنت اردن را سرنگون کند، اما ناگهان اشغال عراق از سوی آمریکا، امکانات کاملاً متفاوتی پیش روی وی گذاشت. او سرانجام بر آن شد با آمریکایی‌ها مبارزه کند و عَلم جهاد علیه شیعیانی را بلند کند که از نظر او خانن به اسلام تلقی می‌شدند و در حکم دست‌نشانده بودند. آن‌ها پس از سقوط صدام حسین، قدرت نامحدود و بی‌حد و حصری در عراق به دست آورده بودند و سنی‌هایی را که پیشتر پرنفوذ بودند، با روش‌های خشن از صحنه‌ی حیات سیاسی عراق بیرون راندند.

زرقاوی مدت کوتاهی پس از اشغال عراق، جمعی از جنگجویان عراقی را دور خود جمع کرد و گروهی تشکیل داد. شمار کمتری از پیکارجویان عربی نیز به آن‌ها اضافه شدند که زرقاوی آنان را با القاعده تجمیع کرد و از طریق سوریه به عراق سوق داد. روی هم رفته زرقاوی بیش از دو هزار پیکارجوی آماده و فوق‌العاده تأثیرگذار داشت. هزار نفر از آن‌ها در استان الانبار مستقر بودند. باقی‌مانده‌ی نیروهایش بیشتر از همه در دیاله و برخی محلات سنی‌نشین بغداد مبارزه می‌کردند. زرقاوی از یأس و نارضایتی جماعت سنی‌ها بیشترین بهره را برد. قربانیان او در درجه‌ی اول سربازان و پلیس‌های عراقی، به‌خصوص شیعیان بودند. طبق گزارش آمریکایی‌ها، در اوت ۲۰۰۳، افراد او مسجد امام علی (ع) در نجف را منفجر کردند. موج حملات خونین یکی پس از دیگری به راه افتاد.

اشغال‌گران آمریکایی، با دست و دلبازی تمام، کم‌وبیش هر حمله‌ای را که در

هر جای عراق انجام می‌گرفت به حساب زرقاوی می‌نوشتند. نقش آشکار زرقاوی در رویدادها، اهمیت بنیادین او را افزایش داد. ولی این مسئله که در کنار القاعده یک مقاومت مدنی بسیار نیرومندتر و با جنگجویانی به مراتب پرشمارتر، علیه اشغال آمریکا وجود داشت، به‌طور نظام‌مند مسکوت ماند. گویا هضم این مسئله، برای جبهه‌ی وطنی داخل آمریکا، سخت دشوار می‌آمده است. دستگاه رهبری آمریکا و سران آن کشور، پس از سقوط صدام حسین، نیاز به ساختن تصویر یک دشمن شیطان‌صفت و خطرناک داشتند تا جنگ‌های پایان‌ناپذیر در عراق را در چشم رأی‌دهندگان آمریکایی به حق جلوه دهند و برای ماندن طولانی خود در عراق توجیهی ظاهرپسند بتراشند. گویی زرقاوی هم بدش نمی‌آمد تا نقش تروریستی که در همه‌جا حاضر است را بپذیرد.

او از رهگذر صحنه‌سازی‌های تلخ و مضحک سر بریدن گروگان‌های غربی، شهرتی جهانی برای خودش دست‌وپا کرد. در سال ۲۰۰۴ از سوی گروهش ویدئویی به نام «ابومصعب الزرقاوی، یک آمریکایی را سلاخی می‌کند»، منتشر شد. در آن فیلم، آدم‌های زرقاوی، سر نیکولاس برگ آمریکایی را از تنش جدا می‌کنند؛ ظاهراً به قصد انتقام و به تلافی اعمال شنیع آمریکایی‌ها در ابوغریب. نیکولاس برگ و قربانیان بعدی، همانند زندانیان ابوغریب در هنگام مرگ، روپوشی به رنگ نارنجی به تن داشتند. فیلم‌برداری از سربریدن‌های خونین، البته تلخیص نشده و به گونه‌ای متفاوت از سلاخی‌های تازه‌ای که اکنون در قلمرو البغدادی رخ می‌دهد، در ویدئوها نشان داده می‌شد. در سایر موارد، روش‌های البغدادی، آشکارا در بیشتر صحنه‌های قساوت، یادآور روش الزرقاوی است.

در پاییز ۲۰۰۴، زرقاوی رسماً با القاعده متحد شد. این مسئله نیز قاعدتاً باب طبع آمریکایی‌ها بود. از آن به بعد، گروه ترور زرقاوی، در رسانه‌های عمومی با نام (شعبه‌ی) «القاعده در عراق»<sup>۱</sup> معروف شد. بغدادی، درست در همین زمان، در